

گفت‌وگو با آقای به بهانه انتشار تمامی داستان‌های کوتاهش در راز کوچک که تصاویری زنده و جاندار هستند از قدرت نامرئی زنان طبقات متوسط و پایین

۸۰ قصه «فرخنده»

تقریباً همه این داستان‌ها سابقه‌ای واقعی دارند و برخاسته از زندگی زنانی هستند که خود یا زندگی‌شان جذاب بوده است. طی چهل سال گذشته، خیلی اوقات به همین نیت سوار اتوبوس یا مترو شده‌ام. با بیشتر این افراد در حد فاصل مسیر اتوبوس‌های خیابان جمهوری تا بهارستان آشنا شده‌ام؛ مسیر هر روزه محل کار تا خانه‌ام.

۴۷

عکس: علی محمدی / ایران



نمایشگاه‌نگاری

تجميع و تسهيل

نمایشگاه کتاب چگونه می‌تواند پایانی شایسته داشته باشد؟



بیژن مومینوند | دبیر «ایران کتاب»

از جشنواره فیلم فجر به عنوان آغاز سال نو سینما یاد می‌شود، به همین سیاق نمایشگاه کتاب را می‌توان شروع سال نو نشر دانست. در جشنواره فیلم فجر ده روز فیلم‌های بخش مسابقه و خارج از مسابقه اکران می‌شوند و در اختتامیه‌ای تا حدی قابل توجه و کنجکاو برانگیز، برندگان حوزه‌های مختلف، سیمرغ و جایزه خود را دریافت می‌کنند و رسانه‌ها آن را به نحو قابل توجهی پوشش می‌دهند. نمایشگاه کتاب هم در ده روز برگزار می‌شود اما اختتامیه‌ای قابل توجه و شایسته ندارد و جوایز آن شامل مواردی نسبتاً فرعی بهترین ناشر نمایشگاه، بهترین غرفه و... می‌شود. در حالی که اگر جایزه کتاب سال به زمان نمایشگاه منتقل شود و جوایز کتاب سال در همان اختتامیه نمایشگاه کتاب اهدا شود، اختتامیه بی‌رونق و بی‌رمق نمایشگاه تا حدی جان‌دار و سرپا می‌شود. البته برای سرپا و سرزنده شدن اختتامیه نمایشگاه کتاب، علاوه بر انتقال جایزه کتاب سال به اختتامیه نمایشگاه، ضرورت دارد چند اقدام دیگر نیز صورت گیرد. اول اینکه جوایز متعدد دولتی حوزه کتاب مانند جایزه جلال آل احمد، جایزه کتاب سال دفاع مقدس و... همه در جایزه کتاب سال ادغام شوند و دوم اینکه دبیرخانه جایزه و مراحل کار از ثبت نام آثار تا داوری و... به اتحادیه صنفی ناشران سپرده شود. در واقع دولت از تصدی‌گری در حوزه جایزه کتاب سال دست بکشد و نقش تسهیل‌گر داشته باشد. در این صورت، هم اعتبار جوایز در بین نویسندگان، ناشران و فضای عمومی بیشتر می‌شود و هم در دوره‌های مختلف با تغییر دولت‌ها، در جوایز تغییر جهت‌دار عجیب و غریبی رخ نمی‌دهد. اصولاً در اغلب حوزه‌ها دولت مقتدر و چابک، دولت سیاست‌گذار و تسهیل‌گر است و نه دولت تصدی‌گر و پیمانکار. به میزانی که حجم تصدی‌گری و مداخله افزایش یابد، سیاست‌گذاری و تسهیل‌گری لطمه می‌بیند و در مقابل هر چقدر از تصدی‌گری دولت کاسته شود، مجال برای سیاست‌گذاری اصولی و به‌قاعده فراخ‌تر می‌شود.



جشن بی کران

خاطره‌بازی با نمایشگاه کتاب تهران



حمیدرضا محمدی | روزنامه‌نگار

«نمایشگاه کتاب، جریان کتابخوانی را در جامعه زنده می‌کند»

سید فتح‌الله مجتبیایی

برای پدرم، کتاب یکی از مهم‌ترین اولویت‌های زندگی‌اش بود. خودش با کتاب پیوند خورده بود و ما را هم چنین پرورش داد و حتی تشویق‌هایش هم از جنس کتاب بود. برای همین هم نمایشگاه کتاب تهران در اردیبهشت‌ماه جلالی، هر سال، جزء جدانشدنی تفریحات ما بود، در آن نمایشگاه بین‌المللی خاطره‌ساز. محوطه‌ای که علی‌نقی



نمایشگاه هنوز برای خیلی‌هایمان جالب و جذاب است. شاید دیگر مثل قبل، وسع‌مان به چندین و چند کیسه کتاب نرسد اما هنوز وقتی می‌رویم قند در دل مان آب می‌شود. هرچند نباید کتابفروشی‌های کوچک و مستقل و محلی را فراموش کنیم اما بیایید قبول کنیم این اجتماع اهل قلم و نشر حال و هوای دیگری است

ترافیک‌های سرسام‌آور در آن اراضی مشرف به پل پارکوی هم تحمل‌پذیر می‌نمود. آن همه خوشی، دو دهه بعد تمام شد و اگر اجاره‌نشینی کوتاه‌مدت اهل فرهنگ در شهر آفتاب را قلم بگیریم، حالا پانزده دوره‌ای می‌شود که مصلی موجر کتاب‌دوستان شده است و دیگر از آن همه دل‌انگیزی خبری نیست. نمایشگاه هنوز برای خیلی‌هایمان جالب و جذاب است. شاید دیگر مثل قبل، وسع‌مان به چندین و چند کیسه کتاب نرسد اما هنوز وقتی می‌رویم قند در دل مان آب می‌شود. هرچند نباید کتابفروشی‌های کوچک و مستقل و محلی را فراموش کنیم اما بیایید قبول کنیم این اجتماع اهل قلم و نشر حال و هوای دیگری است. قرار هم نیست همه کتاب‌های یک‌سال‌مان را در این ۱۰ روز بخیریم و دور از ذهن است کسی در پی خواندن باشد و طی سال، از کتابفروشی‌ها خرید نکند. باری نمایشگاه را شاید بهتر باشد تفرج‌گاه اهل فرهنگ بدانیم و بنامیم و نه مکتب کتابفروشی‌ها، مأمنی برای همان تجدید دیدارها و قرار گذاشتن‌ها و دیدن نویسنده محبوب و در صف ایستادن برای گرفتن امضایی از او. اصلاً ما طبقه متوسط کتاب‌باز، اگر همین دلخوشی‌های کم و کوچک را هم نداشته باشیم که دیگر به چه امید دل بندیم که سوی چراغ خانه‌هامان و نان شب‌مان همین‌هاست. یاد دارم وقتی دبیرستانی بودم، در معیت جماعتی از رفقای هم‌کلاسی، فهرستی از کتاب‌هایم را پرشالم می‌گذاشتم و تمام روزهای نمایشگاه را می‌رفتم، حتی اگر در همه آن رفتن‌ها کتابی نخرم؛ خوشا به حال خوش آن روزها!



اعتباری نو

در تأمین مالی زنجیره‌ای

بانک تجارت؛ رتبه نخست در حوزه تأمین مالی و نقدینگی در ایران

باراهکارهای تأمین مالی زنجیره‌ای

تأمین SCF کالای کسب صنف

کشت دروز پی



tejaratbank
tejaratbank.ir
۱۵۵۴



بانک تجارت



روایت عشق و تراژدی

شیوا ارسطویی در آفتاب مهتاب از زاویه‌ای خاص به جامعه و روابط انسانی نگاه می‌کند



آفتاب مهتاب

- نویسنده: شیوا ارسطویی
- انتشارات: نشر مرکز
- تعداد صفحه: ۱۰۶ صفحه
- قیمت: ۲۳۵۰۰ تومان

سایر ویژگی‌های این مجموعه، مانند استفاده از زبان روان و ساده در کنار پیچیدگی‌های درون‌مایه‌های داستان، از نقاط قوت آن به شمار می‌رود. ارسطویی در این اثر، بیش از هر چیز، دغدغه‌های انسان‌ها در دوران‌های مختلف و در شرایط سیاسی و اجتماعی گوناگون را به نمایش می‌گذارد، بویژه به مسائلی چون عشق، تنهایی، امید و ناامیدی پرداخته و این مفاهیم را در کنار هم در لایه‌های مختلف روایت‌های خود قرار داده است.

چاپ هفتم کتاب «آفتاب مهتاب» در سال ۱۳۹۸ توسط انتشارات مرکز در قطع رقعی و با ۱۰۶ صفحه منتشر شده است. این کتاب که بویژه در میان نسل‌های جوان و علاقه‌مندان به داستان‌های نوستالژیک جایگاه ویژه‌ای دارد، همچنان یکی از آثار برجسته و تأثیرگذار ادبیات معاصر ایران به شمار می‌رود.

در پایان، باید اشاره کرد که شیوا ارسطویی در آثار خود، بویژه در مجموعه «آفتاب مهتاب»، از زاویه‌ای خاص به تاریخ، جامعه و روابط انسانی نگاه می‌کند و با زبان و شیوه‌ای منحصربه‌فرد، داستان‌هایی پر از احساس و معنا به یادگار می‌گذارد. از همین رو، این مجموعه داستان نه تنها به‌عنوان یک اثر ادبی مهم، بلکه به‌عنوان یک سند اجتماعی و فرهنگی، همچنان در دل خوانندگان و منتقدان جا دارد.

در کنار این مسائل، عشق و احساسات انسانی نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. نگاه شخصیت‌های داستانی به زندگی، در عین حال که متفاوت است، همواره زیبا و امیدوارانه است. این نگاه، که در دل تراژدی‌ها و پیچیدگی‌ها قرار دارد، در کنار احساسات نویسنده در روایت‌های داستانی به زیبایی به تصویر کشیده می‌شود.

شیوا ارسطویی در داستان‌های «آفتاب مهتاب» بویژه در داستان «تقسیم»، فرآیند تبدیل عشق‌های افلاطونی دوران کودکی به عشق‌های بزرگسالی را به شکلی حسی و عاطفی روایت می‌کند. در این میان، این عشق‌ها نه تنها به‌عنوان جنبه‌ای شخصی و درونی، بلکه در ارتباط با تحولات اجتماعی و سیاسی همزمان همچون جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی نیز مطرح می‌شوند. نویسنده با بهره‌گیری از فضاهای پر از اضطراب و هیجان دوران جنگ، فضایی شاعرانه و عاشقانه را در کنار روایت‌های تلخ تاریخی می‌آفریند که مخاطب را در خود غرق می‌کند.

این مجموعه داستان همچنین به‌واسطه جواب‌های ادبی معتبری که دریافت کرده، مورد توجه ویژه قرار گرفته است. «آفتاب مهتاب» در همان سال انتشار (۱۳۸۲)، جایزه یلدا و جایزه هوشنگ گلشیری را کسب کرد و موفق شد در محافل ادبی معتبر ایران شناخته شود. این جواب‌ها نشان‌دهنده قدرت نویسنده در ایجاد ارتباطی صمیمی و نزدیک با مخاطب و همچنین توانایی او در ترسیم شخصیت‌ها و فضای داستان‌ها به شکلی واقعی و تأثیرگذار است.

این اثر با نثر ساده و عمیق خود، روایت‌هایی بشدت احساسی و پر از نوستالژی از روزگار گذشته را به تصویر می‌کشد. با وجود اینکه بسیاری از داستان‌های «آفتاب مهتاب» در گذشته اتفاق می‌افتند، ارسطویی با استفاده از تکنیک فلش‌بک و سفر در زمان، فضایی خلق کرده که برای خوانندگان امروز نیز کاملاً آشنا و ملموس است. داستان‌ها، همزمان با روایت مشکلات شخصی و روان‌شناختی شخصیت‌ها، به نقد وضعیت اجتماعی و سیاسی روزگار خود نیز می‌پردازند.



در داستان‌های «آفتاب مهتاب»، فرآیند تبدیل عشق‌های افلاطونی دوران کودکی به عشق‌های در بزرگسالی را به شکلی حسی و عاطفی روایت می‌شود. در این میان، این عشق‌ها نه تنها به‌عنوان جنبه‌ای شخصی و درونی، بلکه در ارتباط با تحولات اجتماعی و سیاسی همزمان با جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی مطرح می‌شوند.

© طه حسین فراهانی | روزنامه‌نگار

شیوا ارسطویی، یکی از نویسندگان برجسته معاصر ایران که در اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۰ در تهران به دنیا آمد و ۱۷ اردیبهشت‌ماه امسال زندگی‌اش به پایان رسید، در دنیای ادبیات ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. او که به‌عنوان نویسنده، مترجم و شاعر شناخته می‌شود، از اوایل دهه ۷۰ داستان‌نویسی را در کنار

استادان بزرگی چون رضا براهنی آغاز کرد. ارسطویی با آثاری چون مجموعه داستان‌های «آمده بودم با دخترم پای بخورم»، «آفتاب مهتاب» و «رمان‌های بی‌بی شهرزاد»، «افیون» و «خوف» در محافل ادبی شناخته شده است.

مجموعه داستان «آفتاب مهتاب» که در سال ۱۳۸۲ منتشر شد، یکی از مهم‌ترین آثار شیوا ارسطویی به شمار می‌رود. او در این مجموعه با نگاه عمیق و حساس خود به مسائل انسانی و اجتماعی، توانسته مخاطبان زیادی را جذب کند. این کتاب مجموعه‌ای است از ده داستان کوتاه که به مضامین اجتماعی، سیاسی و تربیتی پرداخته است. شیوا ارسطویی در «آفتاب مهتاب» با روایت‌های نوستالژیک و شخصیت‌هایی پیچیده، فضای ایران پیش از انقلاب اسلامی و دوران جنگ تحمیلی را به تصویر می‌کشد. داستان‌های این مجموعه، از جنس خاطره هستند و در بیشتر آنها، زمان به

عقب برمی‌گردد و فلش‌بک‌هایی به گذشته، بویژه دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی، از ذهن شخصیت‌ها روایت می‌شود. این تکنیک، یکی از ویژگی‌های برجسته این مجموعه است که به جذابیت داستان‌ها افزوده و نگاهی متفاوت به برش‌هایی از زندگی و مسائل پیرامون آن را فراهم کرده است.

در این مجموعه، شخصیت‌های داستانی نه فقط درگیر مشکلات شخصی و اجتماعی خود هستند، بلکه این مسائل با تحولات بزرگ تاریخی و سیاسی هم‌پوشانی دارند. مسائل عمیق و پیچیده‌ای چون اعتیاد، خیانت، طلاق، جنگ، مسائل نوجوانان و جوانان و تفکرات سیاسی و مبارزاتی آنان در بطن این داستان‌ها جای گرفته است.



با اسکن این رمزینره می‌توانید پادکست «ایران کتاب» را اینجا بشنوید.

تاریخ پژوهی



● خود در آینه دیگری

در مقدمه کتاب، مسروری و منیز با نگاهی انتقادی به نظریه شرق‌شناسی ادوارد سعید، بر آن‌اند که مواجهه اروپا با ایران در دوره پیشاستعماری باید در چهارچوبی متفاوت بررسی شود. چهارچوبی که بر گفت‌وگو، واسطه‌گری فرهنگی و تکثر درون‌متنی تأکید دارد. آنها با الهام‌گیری از نظریه‌های معاصر، چون میان‌فرهنگی گرابی و شرق‌شناسی رادیکال، بر اهمیت بازسازی زمینه‌های فکری، تاریخی و زبانی آن دوره تأکید می‌ورزند. در مجموع «ایران و عصر روشنگری» کتابی است درباره شیوه‌ای که اروپا از «دیگری» برای شناخت، نقد و بازسازی خود بهره گرفت. این اثر نه تنها تابلویی تازه از تاریخ اندیشه اروپایی پیش روی خواننده می‌گذارد، بلکه فرصتی برای تأملی نو در باب گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و بازی بازنامایی آن در تاریخ مدرن فراهم می‌آورد.

تجربه‌ای مستقیم از سرزمین‌های ایرانی داشته‌اند و مابقی هیچ شناخت دست‌اولی ارائه نمی‌کنند. در واقع این امر به این دلیل است که شمار سفرهای اروپاییان به ایران پس از سقوط صفویان به شدت کاهش یافت و از آن دوره گزارش‌های دست‌اول اندکی درباره این سرزمین در دست اروپائیان قرار گرفت. بعد از آن هم اروپائیان با عبور از عصر روشنگری به درجات بالاتری از پیشرفت دست یافته بودند و در مقابل، هرگز آوازه شکوه تاریخ و تمدن ایران آنچنان در عرصه جهان بلند نشد که برای متفکران اروپایی مناقشه‌برانگیز و محل پرسش شود.

ایران در آینه روشنگران

ایران و عصر روشنگری روایت تصویر اروپائیان عصر روشنگری از ایران است

◀ سمیرا درشتی | روزنامه‌نگار



و شناخته شده که بر مبنای مطالعات دقیق، سفرها، تجارب زیسته یا هم‌سخنی طولانی با ایرانیان در اروپا به آن دست پیدا کرده باشند. مقالات کتاب تصویری پیچیده و گاه متناقض از ایران ارائه می‌دهند. «ایران» سرزمینی که این متفکران تصویر می‌کنند گاه حتی جمع اعداد است. هم مداراجو و هم مستبد، هم منبع الهام اخلاقی و هم نمونه‌ای از انحطاط سیاسی و البته که این شناخت متناقض حتی از منظر خواننده ایرانی نیز چندان دور و خطا نمی‌نماید. تنها در دو مقاله از این مجموعه (نوشته‌های سیروس مسروری و جان کریستین لورسن، و نیز جان مارشال) بحث عمدتاً درباره اروپاییانی است که

حضور نادرشاه در ادبیات فرانسه، تحلیل زرتشتی‌گری در الهیات اروپایی یا نامه‌های خیالی یک ایرانی به انگلیسی‌ها و... همه روایت تلاش متفکران اروپایی برای بازاندیشی در «خود اروپایی» است که کتاب «ایران و عصر روشنگری» به آن می‌پردازد. این اثر به کوشش سیروس مسروری، ویتنی منیز و جان کریستین لورسن منتشر شده و مجموعه‌ای است از مقالات پژوهشگران بین‌المللی که نقش ایران را در اندیشه‌های سیاسی، دینی و فلسفی عصر روشنگری بررسی می‌کنند. کتاب برای اولین بار سال ۲۰۲۱ در «مجموعه مطالعات آکسفورد در روشنگری» منتشر شد و اکنون با ترجمه «شهریانو صرمی» از سوی نشر ققنوس در دسترس مخاطبان فارسی‌زبان قرار گرفته است. برخلاف آنچه عنوان کتاب ممکن است القا کند، این اثر نه درباره ایران قرن هجدهم، بلکه درباره بازنامایی ایران در ذهن متفکران اروپایی آن دوران است. متفکرانی که در میان کشمکش‌های فکری و سیاسی، از تصویری خیالی از ایران برای نقد ساختارهای قدرت، دین و اخلاق در جامعه خود بهره می‌گرفتند. به تعبیر منتقدان، شاید بهتر بود عنوان کتاب «عصر روشنگری و ایران» باشد چرا که موضوع اصلی آن استفاده اروپا از ایران به‌منظور بازتعریف خود است. نباید از خاطر دور داشت که از حدود قرن پنجم پیش از میلاد، ایران در چهره «دیگری»‌ای که در طی زمان هویت اروپایی در تقابل با آن، شکل گرفته، نقشی مهم ایفا کرده است. آنچه جایگاه ایران را در این فرآیند هویت‌سازی یگانه می‌سازد، نگرش دوگانه‌ای است که اروپا در تصویر ذهنی خود از ایران اتخاذ کرده است.



ایران و عصر روشنگری

- ویراسته: سیروس مسروری، ویتنی منیز و جان کریستین لورسن
- ترجمه: شهریانو صرمی
- انتشارات: ققنوس
- تعداد صفحه: ۳۵۸ صفحه
- قیمت: ۳۵۰ هزار تومان

● جمع‌اصدا

مواجهه با ایران در این اثر از زاویه‌های گوناگون قابل تحلیل است. برای نویسندگان این اثر، ایران بستری چندگانه برای بازتاب اندیشه‌هایی بود که در مباحثات و منازعات سیاسی درون اروپایی از آنها دفاع می‌کردند. ایران برای فیلسوفانی چون ولتر، پی‌یربل و جان مارشال بستری برای تخیل فلسفی بود، نه یک موضوع عینی

دیگری سازنده

صفویه و زرتشت؛ دو منبع الهام اروپاییان

سه محور بازنامایی دسته‌بندی می‌شود: استبداد شرقی، نمونه‌ای از تساهل دینی و ابزاری برای نقد اروپا به این معنا که صفویه گاه به عنوان دولتی متمدن و منظم تصویر می‌شد تا با ناپسامانی‌های اروپا مقایسه شود. همچنین دین زرتشت در این اثر به عنوان یکی از قدیمی‌ترین ادیان یکتاپرست مطرح است. به علاوه به مثابه منبعی برای الهام فلسفی و الهیاتی در اروپا نیز دیده می‌شود. بازخوانی مفهوم شر از منظر این دین یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که کتاب به آن می‌پردازد. کتاب ایران و عصر روشنگری با نگاهی تحلیلی به نحوه بازتاب صفویه و آیین زرتشت در ذهن متفکران غربی، نشان می‌دهد که این دو پدیده چگونه به ابزاری برای ساختن مفاهیم مدرن اروپا تبدیل شدند. نه صفویه در مقام یک حکومت تاریخی و نه زرتشت در مقام یک پیامبر واقعی بلکه هر دو در جایگاه «دیگری سازنده» به کار گرفته شدند تا اروپا بتواند در آینه ایران، خود را بازشناسد.

کتاب «ایران و عصر روشنگری» از دو محور مهم تاریخی در ایران بهره می‌گیرد. صفویان به عنوان نمونه‌ای از دولت‌سازی مذهبی و تعامل سیاسی با غرب از یک سو و آیین زرتشت به عنوان میراثی فکری که مفاهیم آن در فلسفه اروپایی بازتاب یافته است. البته همان‌طور که در مورد مجموعه نگاه به تاریخ ایران در این اثر صادق است، در این رابطه نیز می‌توان گفت رویکرد کتاب به صفویه و دین زرتشت نه صرفاً تاریخی بلکه نوعی بازنامایی است. یعنی صفویه و زرتشت در این کتاب موضوع بررسی مستقیم نیستند بلکه موضوع بازنامایی در ذهن متفکران اروپایی عصر روشنگری محسوب می‌شوند. در این اثر، صفویان به عنوان یکی از پرارج‌ترین مظاهر «ایران» در آثار متفکران اروپایی سده هجدهم شناخته می‌شوند. اما این ارجاعات بیشتر از آن که مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی باشند، حاصل ذهنیت‌ها، سفرنامه‌ها، و نوشته‌های واسطه هستند. رویکرد کتاب به صفویه عمدتاً در



۸۰ قصه «فرخنده»

گفت‌وگو با آقایی به بهانه انتشار تمامی داستان‌های کوتاهش در **راز کوچک** که تصاویری زنده و جاندار هستند از قدرت نامرئی زنان طبقات متوسط و پایین

مریم شهبازی | روزنامه‌نگار

● حدود چند داستان را شامل می‌شود؟

بیش از هشتاد داستان را دربرمی‌گیرد. کتابی به نسبت حجیم که ۳۷۹ صفحه است. البته مجموعه داستان «زنی با زنبیل» شامل بیش از پنجاه داستان کوتاه است که بیشتر طرح‌واره و خیلی کوتاه‌تر از داستان کوتاه هستند. اینکه می‌گویم هشتاد داستان، با در نظر داشتن چنین موردی است. همه آن داستان‌ها در این کتاب آمده‌اند، البته به غیر از دو داستان که مجوز انتشار پیدا نکردند.

● این داستان‌ها چه وجه مشترکی دارند که تصمیم به انتشار یک‌باره آنها گرفتید؟ اینجا بحث توجه خاصی است که به زنان و دغدغه‌های آنان دارید؟

همان‌طور که اشاره کردید، ماجرای بیش از نود درصد این داستان‌ها درباره زنان است؛ زنان طبقات متوسط و پایین. دلیل باز نشر دوباره این داستان‌ها از آنجا نشأت گرفته که آن کتاب‌ها دیگر باز نشر نشده بودند و هیچ کدام در دسترس نبودند. از آخرین باز نشر برخی از آنها سال‌ها می‌گذشت. بنابراین متوجه شدم که هیچ امکانی برای مطالعه آن داستان‌ها از سوی خوانندگان جوان‌تر که خواهان آشنایی با ادبیات داستانی خودمان هستند، وجود ندارد. این بود که تصمیم به انتشار همه آنها در قالب یک مجلد گرفتیم.

● حسن انجام این کار را در چه می‌دانید؟ اینکه برای مخاطب، امکان آشنایی با روندی که قلم و نگاه‌تان طی کرده است، فراهم می‌شود؟

«راز کوچک» تازه‌ترین کتاب فرخنده آقایی، مجموعه‌ای با بیش از هشتاد داستان کوتاه است که طی چهل سال فعالیت ادبی این نویسنده شکل گرفته‌اند. داستان‌های این مجموعه، تصویری زنده و باورپذیر از زندگی زنانی ارائه می‌دهد که در میان چالش‌های روزمره، قهرمان بی‌بیاثوری زندگی خود هستند. او با قلمی واقع‌گرایانه از دغدغه‌های زنان طبقات متوسط و پایین شهری می‌نویسد؛ زنانی که شاید صدای‌شان کم‌تر شنیده شود، اما قصه‌های‌شان حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. این مجموعه که پنج کتاب پیشین آقایی را در قالب یک مجلد به خوانندگان عرضه می‌کند، بازتاب‌دهنده دنیایی واقعی است. فرخنده آقایی، داستان‌های خود را از دل زندگی زنان انتخاب کرده است؛ از رفت‌وآمد در واگن‌های مترو و خیابان‌های شهر تا گپ‌وگفت‌هایی صمیمی و بی‌واسطه با آنان. این اثر که به همت انتشارات چشمه منتشر شده، فرصتی است برای مخاطبان تازه‌تنها با قهرمانان داستان‌های او همراه شوند، بلکه روند تکامل قلم و تغییرات فکری نویسنده‌اش را نیز دنبال کنند.

راستش همه این داستان‌ها قبلاً منتشر شده‌اند، داستان‌هایی که قبل‌تر در قالب چند کتاب منتشر شده بودند.

● با توجه به اینکه تأکید دارید میان این داستان‌ها، اثر جدیدی وجود ندارد چرا دست به انتشار یک‌باره‌شان، آن هم در قالب یک مجلد زدید؟

این گردآوری و انتشار یک‌باره، پیشنهاد انتشارات چشمه بود. این کتاب شامل پنج مجموعه داستان کوتاه می‌شود: کتاب‌های «راز کوچک»، «تپه‌های سبز»، «یک زن، یک عشق»، «گره‌های گچی» و «زنی با زنبیل».

● خانم آقایی از مجموعه داستان تازه‌تان بگویید که با عنوان «راز کوچک» به تازگی منتشر شده است و در نمایشگاه کتاب عرضه می‌شود.

مجموعه داستان «راز کوچک» با عنوان فرعی «همه داستان» تازه‌ترین کتاب من است که به همت انتشارات چشمه روانه کتابفروشی‌ها و همچنین نمایشگاه کتاب تهران شده است. این مجموعه، همه داستان‌های کوتاهی را دربرمی‌گیرد که تا به امروز نوشته‌ام.

● در این مجموعه، داستان‌های منتشر نشده شما هم جای دارند یا همگی آثاری هستند که پیش‌تر در اختیار مخاطبان قرار گرفته‌اند؟

گنجینه‌ای از زندگی معمولی

درمان‌ناپذیر همچون بیماری و مرگ، سرگستگی و فرار اشخاص از واقعیت، دلهره و کابوس و وهم. آقایی نثری ساده و روان دارد و خواننده را با داستان خود همراه می‌کند.

فرخنده برای من الگوی یک زن با استعداد، هوشمند و مصمم ایرانی است. او که کارمند شاخصی در بانک مرکزی بود، همزمان با پیشرفت داستان‌نویسی‌اش در کار موظفش هم به‌سرعت رشد کرد. سفارش‌های مرا برای یادگیری زبان و کتاب خواندن با بزرگ‌منشی پذیرفت. آن دختر خجول و کم‌روی اوایل دهه شصت طی چهار دهه به نویسنده‌ای شناخته شده، موفق و صاحب‌نظر تبدیل شد. جوایز گوناگونی که برده، گواه این ادعاست. از دستاوردهای با ارزش او سفرهایی است که رفته و می‌رود. که در استحکام شخصیت و اعتماد به‌نفسش بسیار مؤثر بوده. برقرار باشد و بماند.



مقدمه گلی امامی بر مجموعه داستانی «راز کوچک»؛ گمان می‌کنم سال ۶۲ یا ۶۳ بود، کتابفروشی زمینه آهسته آهسته موقعیتی پیدا کرده بود و مشتری‌های ثابتی داشت، یکی از روزها خانم جوانی وارد شد و با حجب و حیای بیش از حد خودش را معرفی کرد و کتابی را به دستم داد: «تپه‌های سبز». گفت این مجموعه داستانی است که نوشته و چاپ شده و خودش آن را توزیع می‌کند. چند نسخه گرفتم، اطلاعات لازم را ردوبدل کردیم. همان شب کتاب را خواندم و مثل هر کتاب دیگری که دوست داشتم به اهل کتاب معرفی کردم و این آغاز دوستی و احترامی عمیق بود که تا امروز ادامه داشته و امیدوارم که داشته باشد.

داستان‌های فرخنده آقایی گنجینه‌ای است از زندگی معمولی آدم‌های کوچک و خیابان، دشواری‌های

بله و اگر علاقه‌مند باشند، حتی می‌توانند داستان‌ها را مقایسه موضوعی، ساختاری و همچنین نقد کنند. این کتاب در ظاهر مجموعه‌ای از حدود هشتاد داستان کوتاه است اما در واقع محصول بیش از چهار سال فعالیت ادبی‌ام به شمار می‌آید. مطالعه این قبیل آثار به کار نویسندگان جوان‌تر نیز می‌آید؛ به خصوص برای منتقدان و پژوهشگران ادبی. انتشار یک باره این داستان‌ها هم برای من نویسنده که بتوانم همه آنها را یک جا داشته باشم و هم برای آنهایی که خواستار مطالعه‌شان هستند به گمانم خوب است.

● شما تأکید دارید که با مطالعه این کتاب، امکان آشنایی خواننده با روندی که در زمینه تألیف داستان کوتاه طی کرده‌اید فراهم می‌شود. با این حساب داستان‌ها از نظر زمانی، به ترتیب در این مجلد قرار گرفته‌اند؟

بله. البته اینجا باید یک توضیحی هم بدهم. شاید اولین مجموعه داستانی که از من منتشر شده «تپه‌های سبز» در سال ۱۳۶۶ و بعدتر هم در سال ۱۳۷۲، مجموعه داستان «راز کوچک» روانه کتابفروشی شده باشند. اما واقعیت آن است که ترتیب زمانی این دو به خاطر گرفت‌و‌گیرهای آن موقع در بحث ممیزی رعایت نشده است. «راز کوچک» اولین مجموعه داستانی است که نوشته‌ام اما به خاطر ممیزی ابتدا «تپه‌های سبز» اجازه انتشار پیدا کرد. این ترتیب زمانی در مجلدی که درباره آن صحبت می‌کنیم، رعایت شده است. آخرین مجموعه این کتاب «زنی با زنبیل» است که سال ۱۳۹۴ و از سوی انتشارات نشانه منتشر شد.

● همان‌طور که اشاره شد، بیش از ۸۰ درصد این داستان‌ها درباره زنان و رنج آنان است، دغدغه‌ای که به نوعی در آثار دیگر نویسندگان زن ایرانی چون فریبا وفی و شهرنوش پارس‌پور هم دیده می‌شود؛ منتهی با یک تفاوت. اینکه زنان داستان‌های شما، همگی برخاسته از دنیای واقعی هستند!

بله. تقریباً هیچ کدام از این داستان‌ها تخیلی نیستند. همگی سابقه‌ای واقعی دارند و برخاسته از زندگی زنانی هستند که خود یا زندگی‌شان برای من جذاب بوده است. طی چهل سال گذشته، خیلی اوقات به همین نیت سوار اتوبوس یا مترو شده‌ام. با بیشتر این افراد در حد فاصل مسیر اتوبوس‌های خیابان جمهوری تا بهارستان آشنا شده‌ام؛ مسیر هر روزه محل کار تا خانه‌ام. البته دیگر نمی‌دانم، هنوز هم زنانی که سوار اتوبوس و مترو می‌شوند به صحبت درباره زندگی و مشکلات‌شان می‌پردازند یا نه! خیلی وقت است که این کار را نکرده‌ام اما برای من فرصت بسیار خوبی بود.

● چه ویژگی مشترکی میان این زنان داستان‌های شما وجود دارد؟

اغلب زنانی که در داستان‌های این مجموعه نقش آفرینی کرده‌اند، افرادی هستند که بیان زندگی و حس و حال‌شان برای من خاص و از آن مهم‌تر، محترم بوده است.

● چرا جایگاه اصلی نوشته‌های شما به زنان اختصاص یافته است؟

من فکر می‌کنم هر زنی، قهرمان اول زندگی خودش است. آنان کارهای مهمی انجام می‌دهند، کارهایی که بدون آنها، روال زندگی آن‌طور که باید و شاید طی

نمی‌شود، بسیاری از این تلاش‌ها شاید حتی نمود بیرونی چندانی هم نداشته باشند.

● این ویژگی را حتی برای زنانی که در دهه‌های قبل و تحت سیطره فرهنگ مردسالارانه، حق انتخاب و حتی آزادی چندانی نداشتند هم قائل هستید؟

بله. این ویژگی و این جایگاه را حتی برای آنان هم می‌توان برشمرد. وقتی از بیرون به زندگی چنین زنانی نگاه می‌کنید، با جلوه مردسالارانه‌اش روبه‌رو می‌شوید. اینکه زنان هیچ‌کاره‌اند و همه‌کاره مردان هستند اما وقتی به درون آن زندگی‌ها بروید، با نقش آفرینی و جایگاه مهم آنان روبه‌رو می‌شوید. این زنان بدون‌های وهوی و حتی بدون آن‌که از نظر اقتصادی تأثیرگذاری مستقیمی داشته باشند، نقش آفرین بوده‌اند. نمونه‌اش مادران و مادر بزرگ‌های نسل‌ها قبل. این زنان، حتی آنهایی که ساکن روستاها و شهرهای کوچک بوده‌اند هر کدام در جایگاه خود یک قهرمان هستند. بگذارید مثالی ملموس‌تر بزنم. تا همین شصت، هفتاد سال قبل، فاصله سنی زنان و مردان در ازدواج آنقدر زیاد بود که شوهر موقعی می‌مرد که زن هنوز جوان بود یا تازه به میانسالی قدم گذاشته بود. خیلی مواقع هم زن در حالی قدم به میانسالی می‌گذاشت که شوهر به سبب



که‌نسالی از آن جلال و جبروت فرهنگ مردسالارانه دور شده بود و زن می‌ماند با مسئولیت نگهداری از چند فرزند قد و نیم‌قد که هنوز به سرانجام نرسیده بودند. آن زمان، نقش آفرینی زنان بیش از هر زمان دیگری خود را نشان می‌داد. زنان باید مدیریت فرزندان، نوه‌ها و حتی عروس و داماد خانواده را به تنهایی برعهده می‌گرفتند. این نقش آفرینی در سال‌های اخیر که بسیاری از زنان از نظر اقتصادی به خودکفایی رسیده‌اند ملموس‌تر شده است؛ البته با شکل و شمایلی متناسب‌تر از دنیای امروز و

تحولاتش. هرچند که باز هم تأکید می‌کنم این اثرگذاری تنها به زنان شاغل یا دوران میانسالی‌شان در آن شرایطی که اشاره شد، محدود نمی‌شود. هرچند با تغییر شرایط و جایگاه اجتماعی زنان، شاهد بروز نوع جدیدی از رفتارها و مناسبات اجتماعی هستیم.

● چرا اسم کتاب راز از مجموعه داستان «راز کوچک» انتخاب کردید؟ علاقه خاصی به این مجموعه دارید یا بحث انتخاب اسمی برای جذب بهتر مخاطب در میان بوده است؟

راستش دلیل خاصی نداشت. این طور نبود که بگویم این مجموعه داستان برای من از باقی آنها خاص‌تر بوده است. نظر ناشر بر این بود که این انتخاب تأثیر بهتری بر مخاطب باقی می‌گذارد و جذاب‌تر است.

● چطور شد که خانم گلی امامی مقدمه کتاب را نوشتند؟

این هم پیشنهاد ناشر بود. البته خودم هم علاقه زیادی به ایشان دارم. خانم امامی نویسنده و مترجم بسیار مجربی هستند و بی‌هیچ تعارفی به وجودشان افتخار می‌کنم. خانم امامی، آنقدر زن اثرگذاری هستند که می‌توانند در جایگاه یک الگو برای نسل‌های جوان‌تر به شمار آیند، مسأله‌ای که آن را به خودشان هم گفته‌ام. ایشان یک زن روشنفکر، کتابخوان و با تعاملاتی بسیار مؤثر و سازنده برای جوان‌ترها هستند. از هر نظر هم کارشان درخشان است، به خصوص در عرصه ترجمه که کارهای بسیار ارزشمندی انجام داده‌اند.

● با توجه به اینکه چاپ اول این مجلد در سی‌وششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه می‌شود، خودتان هم سری به نمایشگاه و انتشاراتی‌های حاضر در آن می‌زنید یا ترجیح‌تان به خرید غیرحضوری از بخش مجازی است؟

اگر شرایط اجازه بدهد و بتوانم، حتماً این کار را انجام می‌دهم. خرید مجازی مزایای زیادی دارد اما هرگز جای خرید حضوری را نمی‌گیرد.

کتاب و دیپلمات



وزارت امور خارجه

همه شما دعوت هستيد

جشن امضا و گفت و گوی اختصاصی با حضور وزیر امور خارجه
و
دیپلمات های ارشد وزارت امور خارجه

از جمعه ۱۹ اردیبهشت

هر شب ساعت ۱۹-۱۷

نمایشگاه بین المللی کتاب

مصلی تهران - شبستان - ردیف ۲۷ غرفه ۵۷

غرفه وزارت امور خارجه

حوزه تکنولوژی و مرکز دیپلماسی عمومی

مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی



انسان در جست‌وجوی تسلی

در باب تسلی خاطر مایکل ایگناتیف حاصل دغدغه نویسنده برای رسیدن به آرامش در عصر جدید است

© مهرداد دلیلی | روزنامه نگار



آشکار می‌کند. او با بررسی زندگی چهره‌های گوناگون نشان می‌دهد که چگونه تلاش برای یافتن تسلی خاطر، جنبه‌ای جهانی از وضعیت انسانی است. این امر به هم پیوستگی حس همبستگی و انسانیت مشترک را تقویت می‌کند. این کتاب به عنوان یادآوری عمل می‌کند که به‌رغم تغییر ماهیت جهان ما، تلاش برای آسایش و امید بخشی اساسی از تجربه بشری است. کتاب «در باب تسلی خاطر» برای تسکین یافتن نیست، برای اندیشیدن در زمینه تسلی خاطر است. برای این است که ببینیم انسان‌های اندیشمند پیش از ما، تسلی خاطر را چگونه تعریف کرده‌اند و با بحران‌ها و مصایب خود، چگونه کنار آمده‌اند. شاید نگاه تازه‌ای که ایگناتیف، به زندگی و افکار آنها دارد، دید ما را نیز نسبت به زندگی وسعت بخشد و درکی جدید درباره مصایب و مشکلات زندگی به ما دهد.

این کتاب مجموعه‌ای است از تعدادی چهره‌نگاره،

فجایع همیشه از زندگی انسان‌ها بوده و هست؛ ممکن است به گستردگی جنگ، جهانی باشد یا به اندازه از دست دادن عزیز، شخصی. زمانی اسطوره، اولین تسلا بخش انسان‌ها بود و آدمیان معتقد بودند هر رخداد بدی دلیلی داشته و جزئی از سنت ابتلا و امتحان است که جزای صبر و تحمل خود را در بهشت می‌بینند اما هرچه که تمدن پیشرفت کرد و دیدگاه انسان‌ها مادی‌تر شد و حالا انسان قرن بیست و یکم در برابر رنج‌ها بیش از هر زمان دیگری بی‌دفاع است. مایکل ایگناتیف در کتاب در «باب تسلی خاطر» به ما کمک می‌کند به دل تاریخ سفر کنیم و به این فکر کنیم که اندیشمندان، هنرمندان و فیلسوفان پیش از ما، برای یافتن تسلی خاطر در دوران تاریک به چه می‌اندیشیدند و چه کار می‌کردند. انتشارات بایگانی «در باب تسلی خاطر» را با ترجمه شیمیا شریعت منتشر کرده است. از این کتاب دو ترجمه فارسی دیگر هم منتشر شده اما ترجمه انتشار یافته از سوی نشر بایگانی علاوه بر امتیازهایی در ترجمه، از نظر کتاب‌آرایی و فنی هم ویژگی‌های برتری دارد از جمله طرح جلد و نقاشی‌های شاخص و متناسب که در صفحات استقبال کتاب از آنها بهره گرفته شده است.

مایکل ایگناتیف، نویسنده، مورخ مشهور تاریخ اندیشه و سیاستمدار اسبق که کتابش درباره زندگی آریازا برلین شهرت عام و خاص دارد و به فارسی هم ترجمه شده، در کتاب «در باب تسلی خاطر» زندگی و آثار شخصیت‌های تاریخی، فیلسوفان، نویسندگان و هنرمندان مختلف را می‌کاود تا راه‌های مقابله آنها با تراژدی‌های شخصی و جمعی را کشف کند. او که در مؤسسات معتبری مانند دانشگاه کمبریج، دانشگاه آکسفورد، دانشگاه هاروارد و دانشگاه تورنتو سمت‌های عالی علمی داشته و برای نشریات معتبری چون نیویورک تایمز مقاله و جستار می‌نویسد، ابتدا بررسی می‌کند چگونه فرهنگ‌ها و دوره‌های مختلف، مفهوم هم‌دردی را تعریف می‌کردند، متون باستانی مانند کتاب ایوب و مزامیر را بررسی می‌کند که در مواجهه با رنج، از آرامش روحی سخن می‌گویند. همچنین در نوشته‌های فیلسوفانی مانند سبیسرو، مارکوس اورلیوس و بوئتیوس که چهارچوب‌های فلسفی مختلفی برای درک و تحمل سختی‌ها ارائه کردند، می‌کاود. پس از این وارد حوزه‌های ادبی و هنری می‌شود و درباره آثار نویسندگانی مانند آلبر کامو، آنا آخماتووا و پریمو لوی بحث می‌کند که راه‌هایی برای بیان درد و انعطاف‌پذیری در شرایط سخت، از طریق بیان خلاقانه‌شان پیدا کردند. همچنین از موسیقی سخن می‌گوید که چگونه آرامش عاطفی و معنوی را فراهم می‌کند. پس از این به سراغ دنیای امروز می‌آید، جایی که دیگر روابط سنتی هم‌دردی چون اسطوره و فرهنگ‌های محلی تضعیف شده‌اند و به جای آن افراد از طریق روابط شخصی و علم به دنبال آرامش هستند. با این حال تصنیف تسلی منابع سنتی به هیچ وجه نیاز انسان به آسایش و امید را کنار نمی‌زند. ایگناتیف ارتباط متقابل تجربیات انسانی را در طول زمان و مکان‌های مختلف



در باب تسلی خاطر

آرامش یافتن در عصر ظلمت

- نویسنده: مایکل ایگناتیف
- ترجمه: شیمیا شریعت
- انتشارات: بایگانی
- تعداد صفحه: ۳۴۴ صفحه
- قیمت: ۳۸۵ هزار تومان

به ترتیب وقایع تاریخی، از اشخاصی که در مصیبت و بلا زیسته‌اند و با توسل به سنت‌هایی که به ارث برده‌اند به دنبال تسلی بوده‌اند؛ گرچه... همیشه هم موفق نشده‌اند. باین حال می‌شود از کشمکش و تقلایشان یاد گرفت و در آثار و احوالشان امید جست.

● جادوی موسیقی و کلمه

ایگناتیف در دیباچه کتابش می‌گوید شروع نگارش «در باب تسلی خاطر» به دعوتی نامعمول در سال ۲۰۱۷ برمی‌گردد: دعوت او به جشنواره سرایندگان مذهبی در اوترخت برای سخنرانی درباره عدالت و سیاست در کتاب مزامیر. بنا بود چهار گروه سراینده تمامی ۱۵۰ سرود را در مراسم اجرا کنند و ایگناتیف هم در وقفه میان اجراها سخنرانی کند. او در ادامه می‌نویسد: «جدا از چیزهایی که تقریباً همه درباره مزامیر می‌دانند. مثل «خداوند شبان من است» یا «اگرچه از تاریک‌ترین وادی بگذرم». من خیلی کم درباره آنها می‌دانستم. با این اوصاف، دعوت را پذیرفتم. با خودم گفتم فرصتش را دارم که یاد بگیرم. در طول تابستان، کتاب مقدس را مطالعه کردم و سخنرانی‌ام را ارائه کردم. شنبه و یکشنبه بعدش با همسرم سوزانا کنار باقی حضار به سرودها و واژه‌های مزامیر به زبان هلندی و انگلیسی گوش دادیم. رفته بودم تا از عدالت و سیاست حرف بزنم ولی در موسیقی و کلمات و اشک‌های از روی قدرانی حضار، تسلی خاطر پیدا کرده بودم و این‌گونه طرح ریخته شد: تلاش برای درک اثری که آن سرودها روی من و بقیه حضار در سالن کنسرت در اوترخت گذاشتند. آن زبان مذهبی کهن بطور جادوی مان کرده بود؟ به‌خصوص خدانا باوری مثل من را. و البته اینکه اصلاً تسلی یافتن یعنی چه. در چهار سال بعد همان‌طور که طرح جلوی من رفت، جالب‌تر و در عین حال سخت‌تر می‌شد. حس می‌کردم خلاف جهت آب شنا می‌کنم. اغلب دوستان و همکارانم گیج و متعجب می‌پرسیدند چرا تسلی؟ و چرا الان؟ و بعد در مارس ۲۰۲۰ کرونا پیدا شد و همه را یکی دو سال به قرنطینه‌های پی‌درپی فرستاد. در جهان آنلاین، که حالا دنیای مشترک آدم‌ها شده بود، هیاهویی تمام عیار برای یافتن تسلی شکل گرفته بود. همه می‌خواستند به این حس مشترک بی‌قراری، تنهایی، ترس و اندوه بی‌پایان از دیدن آمار مرگ، که اول سخت قابل‌باور بود و هر چه گذشت بی‌سروردا پذیرفته‌تر شد، معنا بدهند.» و در بخش دیگری از دیباچه می‌نویسد: «هرچه از نوشتن این کتاب گذشت خورم را بیشتر مرهون سنت‌هایی دانستم که با ثبت دانش و اطلاعات، کار روی چنین طرحی را برایم ممکن کرده‌اند. این واقعیت که اصلاً به چنین متونی دسترسی داریم. مثلاً کتاب ایوب، مزامیر، رسائل پولس، تأملات مارکوس اورلیوس، نامه‌های سیسرون. همگی گواه برامانت‌داری دانشمندان، نسخه‌برداران، محرزان و مترجم‌های گمنامی است که در طول قرن‌ها این نوشته‌ها را از گزند موش و آتش و طاعون و بی‌اعتنایی آدم‌ها نجات داده‌اند.»

ایگناتیف در کتابش سراغ به تصویر کشیدن زنان و مردانی رفته است که در طول تاریخ برای یافتن تسلی تلاش کرده‌اند و تأکید خاصی بر آن دارد که معناها و باورها در دوره حوادث و تجربه‌های منحصربه‌فرد شخصی و در عین حال جهان‌شمول چکش خورده و شکل گرفته‌اند. در این کتاب با مردان و زنانی مواجه می‌شویم که در دوران فاجعه، زوال آزادی مبتنی بر جمهوری، کارزارهای کشتار جمعی، اشغال دشمن و شکست نظامی فاجعه‌بار زندگی کرده‌اند و به ما امکان می‌دهد از روشن بینی آنها الهام بگیریم. دیدن خودمان زیر چراغ تاریخ باعث می‌شود ارتباط خود را با تسلی خاطر گذشتگان زنده کنیم و به کشف قربات خود با تجربه‌های آنها بپردازیم.



حبیب احمدزاده / نویسنده

کتابی برای همه نسل‌ها

نمایشگاه کتاب تهران فرصت بی‌نظیری است برای کشف آثار ارزشمند و ماندگار. میان این همه کتاب، مجموعه چهار جلدی «هزار و یک حکایت تاریخی»، حاصل تلاش زنده‌یاد محمود حکیمی و انتشارات قلم، گوهری ست که باید در لیست خرید هراهل کتاب جای بگیرد. این مجموعه را بارها خریده و به عزیزانم هدیه کرده‌ام؛ از فرزندم گرفته تا دوستان نزدیک. اکنون به همه مخاطبان روزنامه ایران، بویژه کتاب‌دوستانی که خواهان تکمیل کردن فهرست کتاب‌های خود هستند، توصیه می‌کنم این اثر را تهیه کرده و با دقت بخوانند.

اما چرا «هزار و یک حکایت تاریخی»؟ این کتاب فراتر از مجموعه‌ای از حکایت‌های کوتاه است؛ پنجره‌ای است به تاریخ که قادر است به انسان سرگشته امروز در مواجهه با چالش‌های زندگی، قدرتی تازه ببخشد. ویژگی برجسته این اثر، حکایت‌های کوتاه و جمع‌وجوری است که خواندندان در رفت‌وآمدهای شهری همچون لحظات حضور در تاکسی، مترو یا اتوبوس هم امکان پذیراست.

این حکایت‌ها نگاه انسان را وسعت می‌بخشند و به بیننده امکان عبرت‌آموزی از تجربیات گذشته می‌دهند. آن‌طور که نام کتاب نیز وعده می‌دهد، این مجموعه نگاهی عمیق به اتفاقات تاریخی دارد؛ از ماجراهای پادشاهان و جنگجویان گرفته تا داستان‌هایی درباره عرفا و اندیشمندان. این مجموعه را می‌توان مصداقی از جمله مشهور فروید دانست: آنجا که گفته است: «ای کاش جوان می‌دانست و پیر می‌توانست». این اثر ارزشمند به خواننده کمک می‌کند تا بخشی از این نقل‌قول را محقق کند. آن هم با درس‌هایی از تاریخ. نکته مهم دیگر اینکه مطالعه‌اش محدود به گروه سنی خاصی نیست، هرچند برای مخاطبان کودک و نوجوان بهتر است با همراهی والدین انجام بگیرد. حکایت‌های این مجموعه، هر صفحه‌اش درسی عمیق برای زندگی دارد و پیوندی معنادار میان گذشته و حال ایجاد می‌کند.



محمد عظیم‌نفر / عضو شورای مرکزی کارگزاران سازندگی

نقد درون‌گفتمانی اطلاع‌طلبی

محمد قوچانی، چهره جوان اندیشه‌ورز عرصه سیاست و رسانه، مجموعه‌ای از مقالات مهم و جریان‌سازش در مجلات «مهرنامه» و «سیاست‌نامه» را که در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸ به نگارش درآورده و در آنها به «بررسی انتقادی اصلاح‌طلبی دینی» و «موانع تأسیس اندیشه سیاسی توسعه در ایران» پرداخته، در مجموعه‌ای با عنوان «نقد الهیات سیاسی» گردآوری نموده که تاکنون پنج جلد از آن توسط انتشارات سرایی و با همکاری مجله «آگاهی نو» به جامعه مخاطب ارائه و به بازار نشر عرضه شده است. عنوان جلد پنجم این مجموعه «بحران بورژوازی اسلامی: پژوهشی راهبردی در موانع تأسیس جنبش توسعه ایران» است. این جلد اندکی از اندیشه سیاسی فاصله می‌گیرد و به جامعه‌شناسی سیاسی نزدیک می‌شود. به‌زعم قوچانی، تأسیس بورژوازی اسلامی رویایی بود که در دهه هفتاد در ایران شکل گرفت بدون آنکه صاحبان آن رویا چندان از نظریه‌های علوم اجتماعی آگاه باشند.

پرسش محوری و بنیادینی که قوچانی سعی دارد در مقالات این مجموعه پنج جلدی به آن پاسخ دهد این است که چگونه ممکن است اصلاح‌طلبی دینی به انحصارطلبی دینی بدل شود؟ به عبارت دیگر چگونه ممکن است قصد ترقی‌خواهی، به ضد خود تبدیل شود؟ پرداختن به این موضوع، جسورانه و خلاف‌آمد عادت در این روزگار است چرا که جنبش اصلاح‌طلبی دینی ایران مدعی است هرگز از نهضت به نظام و از جنبش به نهاد تبدیل نشده و اهمیت پرداختن آن از طرف نویسنده این است که وی خود اصلاح‌طلب سیاسی و عضو شورای مرکزی حزبی است که در جبهه اصلاحات حضور مؤثر و تعیین‌کننده دارد. از این منظر مقالات قوچانی در این مجموعه را می‌توان به نوعی نقد درون‌گفتمانی بنیان‌های نظری اصلاحات دانست.



احمد آرام / نویسنده

چیدن بال پرنده حرام گوشت

آثار کارلوس فونتنس همیشه تازه و بکر است. یکی از آخرین رمان‌های او «مسند عقاب» با ترجمه خوب مهدی سرایی توسط نشر افق چاپ شده و یکی از سیاسی‌ترین کارهای فونتنس محسوب می‌شود. او در هر ژانری که قلم زده، به تناسب همان ژانر، تکنیک روایی خود را از درون طرح داستان بیرون می‌کشد و ما را در مقابل اعجاز یک حافظه تاریخی و جادویی قرار می‌دهد. فرار و نشیب‌های تاریخ شگفت‌انگیز مکزیک در تمام آثار او بهانه‌ای است برای نشان دادن مردم عاصی کشورش؛ مردمی که در لایه‌های پنهان انقلاب‌های زمینی و متکی به اسب و تفنگ، حضوری مستمر داشته‌اند، خصوصاً در رمان‌های «سر هیدرا»، «گرینگوی پیر»، «نبرد» و به روزترین رمانش «پوست انداختن»، شاهد تاریخی هولناک در اعماق غبارهای شناور سرزمینی هستیم که گویا می‌خواهد تاریخ خود را با هیجانات تاریخ معاصر جهان گره زند. فونتنس تلاش ندارد بی‌گناهی شخصیت‌های رمانش را اثبات کند، بلکه مانند پیشگویی ماهر فقط مرگ‌های فجیع آنها را پیش‌بینی می‌کند. فونتنس یگانه نویسنده‌ای است که اگر از دل تاریخ سخن بگوید، با مهارت و دوراندیشی نمی‌گذارد تاریخ بر پیکر روایت چیره شود. به همین دلیل جهان داستانی او تکیه دارد بر سیر و سلوک فکری و روحی آدم‌هایی که قابلیت آن را دارند که تاریخ را روایت کنند؛ بی‌آنکه به بدنه داستان لطمه وارد سازند. در رمان قطور «مسند عقاب»، فونتنس می‌خواهد مداخله آمریکا در امور مکزیک را نشان دهد، مکزیکی که برای آمریکایی‌ها پرنده‌ای حرام‌گوشت است! «این بار بر خلاف گذشته، این مداخله رنگ و بوی نظامی یا اقتصادی ندارد، بلکه هدف قطع امکانات ارتباطی مکزیک با جهان خارج است» و برای نویسنده توانایی مانند او، شخصیت‌ها با نامه‌نگاری، هیجانات پس‌پشت رمان را به ما نشان می‌دهند.





MAPNA: A PIONEER IN THE ENERGY INDUSTRY

- COMBINED CYCLE POWER PLANTS
- ENERGY EFFICIENCY OPTIMIZATION
- RENEWABLE ENERGIES
- UPSTREAM AND DOWNSTREAM OIL & GAS INDUSTRIES

NO. 231, MIRDAMAD BLVD, TEHRAN 1918953651, IRAN, P.Q.BOX: 19395/6448

PHONE: +98 21 24711001-2 | FAX: +98 21 22908597-8

INFO@MAPNAGROUP.COM | WWW.MAPNAGROUP.COM

بخوانیم برای ایران



بانک ملی ایران

حامی سی و ششمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

www.bmi.ir • ۲۱-۶۴۱۴۰ •    bankmelli۱۳۰۷



بانک ملی ایران